



بیانات در ارتباط تصویری با جلسه هیئت دولت - 2 / شهریور / 1399

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين و لعنة الله على اعدائهم اجمعين.

السّلام عليك يا ابا عبد الله و على الارواح التي حلت بفنائك عليكم متى جميعاً سلام الله ابداً ما بقيت و بقى الليل و الثّهار و لا جعله الله آخر العهد متى لزيارتكم السّلام على الحسين و على عليّ بن الحسين و على اولاد الحسين و على اصحاب الحسين.

حادثه‌ی عاشورا نشان‌دهنده‌ی قلّه‌ی جهاد و فداکاری و شهادت در راه خدا خیلی متشکریم از بیانات جناب آقای رئیس‌جمهور و آقایان وزرای محترم. این ایّام هفته‌ی دولت، امسال مصادف شده است با ایّام محرّم و دهه‌ی عاشورا که قلّه‌ی جهاد و شهادت را نشان میدهد؛ حقیقتاً حادثه‌ی عاشورا نشان‌دهنده‌ی قلّه‌ی جهاد و فداکاری و شهادت در راه خدا است. اتفاقاً مناسبت خود این هفته - هفته‌ی دولت - هم، مناسبت جهاد و شهادت است؛ یعنی دو شهید بزرگوار ما، شهید باهنر و شهید رجائی، کسانی بودند که جهاد کردند و بر اثر این جهاد، خدای متعال شهادت را به آنها پاداش داد. این دو نفر، آن طور که ما از نزدیک شاهد بودیم - هم قبل از انقلاب، هم بعد از انقلاب - کارشان برای خدا بود، سخت کار میکردند، برای خدا کار میکردند، در محاصره‌ی مشکلات کار میکردند، به منافع شخصی خودشان اصلاً فکر نمیکردند، در پی چهره‌سازی برای خودشان و جذب مخاطب اصلاً نبودند؛ اینها خصوصیات برجسته و مهمّی است و بنابراین، این جور کار کردن، این جور مجاهدت کردن، پیش خدای متعال قطعاً مورد قبول است و شهادت حقّ آنها بود، پاداش آنها بود و ان شاء الله امروز مقامشان پیش خدا، متعالی است.

هفته‌ی دولت فرصتی برای جمع‌بندی عملکردها، نقد نقاط ضعف و قوّت، تبیین و خبررسانی خوب، هفته‌ی دولت هفته‌ی قابل توجّه‌ی است، هفته‌ی مهمّی است. این هفته مناسبتی است برای یادآوری و مرور خدمات یک‌ساله‌ی اعضای دولت؛ جمع‌بندی عملکردها و نقد نقاط ضعف و نقاط قوّت - که هر دولتی نقاط قوّتی دارد، نقاط ضعفی دارد - نقد درونی، بیش از و پیش از نقد دیگران، و فرصت تبیین و خبررسانی؛ این هم بسیار مهم است. خوب امروز خبرهای بزرگ و مهمّی به وسیله‌ی رئیس‌جمهور محترم و آقایان وزرا داده شد که خیلی از آنها برای ما تازه بود. انتشار این خبرها و نقد این خبرها مهم است؛ هم دستاوردها را بگویید، هم تنگناها را بگویید، هم آنچه را توانستید انجام بدهید بگویید، هم آنچه را باید انجام میدادید و انجام نشده بگویید؛ مردم خوششان می‌آید. این جور انسان بتواند همه‌ی ابعاد قضیه را بیان کند، این برای مردم شیرین و دلپذیر است، بخصوص در تماس مستقیم با مردم؛ تا آنجایی که ممکن است، با مردم مستقیم حرف بزنید. البته این روزها محدودیت هست، لکن از طریق تلویزیون و با تماسهای رودررو با مردم برای آنها توضیح بدهید. و البته این [کار] همیشه باید انجام بگیرد؛ این توضیح و تبیین مخصوص هفته‌ی دولت نیست، همیشه بایستی انجام بگیرد. مردم از گزارشهای صادقانه خرسند میشوند، امیدوار میشوند و خوشحال میشوند.

اهمّیت سال آخر دولت: (۱) آخرین فرصت برای خدمت



نکته‌ی بعدی که قابل توجه و مهم است، این است که از امروز در واقع سال آخر دولت شروع میشود. سال آخر خیلی مهم است؛ از جهات مختلفی مهم است. اولین جهتش این است که شما آقایانی که امروز توفیق دارید برای ملتتان، برای کشورتان، برای خدا، برای اسلام کار کنید، بدانید این آخرین فرصت است؛ این یک سال آخرین فرصتی است که شما دارید. البته ممکن است در آینده آقایان مسئولیتهایی داشته باشند، اما در این مسئولیت خاص که خیلی هم مهم است - مدیریت کلان در کشور، آن هم در بخشهای گوناگون - این آخرین فرصت شما است؛ از این آخرین فرصت هر چه میتوانید باید استفاده کنید. و یک سال هم زمان کمی نیست؛ یعنی این جور نباید تصور کرد که یک سال چیزی نیست؛ نه، یک سال خیلی زمان است. خب ملاحظه کرده‌اید، در بعضی از کشورهای دنیا معمول است، در کشور ما هم اخیراً معمول شده که در اول مسئولیت، رؤسای محترم یک فرصت صدروزه را معین میکنند میگویند در این ۱۰۰ روز مثلاً این کارها را یا یک کارهایی را انجام میدهیم، مردم هم در فرصت صدروزه قضاوت میکنند، مطبوعات و دیگران میگویند در این ۱۰۰ روز این جور کار شد؛ خب معلوم میشود که در ۱۰۰ روز میشود کارهای مهمی کرد. یک سال سه تا ۱۰۰ روز به اضافه‌ی یک ۶۵ روز است؛ بنابراین، زمان کمی برای کار نیست.

۲) یادگار نیک برای دولت بعد

علاوه‌ی بر این، بعضی کارهای اساسی را که در دولت شما ممکن است جواب ندهد، برای دولت بعد به یادگار بگذارید؛ بگذارید با نام نیک و با تشکر از شما یاد بشود در دولتهای بعدی. مثلاً فرض کنید اصلاح ساختار بودجه؛ این کار بلندمدتی است، کار مهمی است؛ یا اصلاح نظام بانکی، اصلاح نظام مالیاتی یا اصلاح قانون اجرای سیاستهای اصل ۴۴؛ اینها کارهای ماندگار است، کارهای اساسی‌ای است که برای بعد باقی میماند.

۳) جدیت در پیگیری کارهای وعده داده شده

یکی از چیزهایی که در مورد سال آخر قابل توجه است، این است که کارهایی که شروع شده یا قول آن داده شده سعی بشود تمام بشود. خب وزیر محترم مسکن (۲) قول چهارصد هزار - که البته حالا آقای رئیس‌جمهور گفتند ششصد هزار؛ چه بهتر - واحد مسکونی را تا آخر دوره داده‌اند؛ این چیز بسیار خوبی است، کم نیست؛ مجموع اینها یک تحوّل در امر مسکن به وجود می‌آورد. الان می‌بینید مسئله‌ی مسکن یکی از مسائل کاملاً مشکل کشور است؛ خب با این کار یک گرهی باز میشود، یک کار بزرگی انجام میگردد. یا طرحهای در دست افتتاح وزارت نیرو که خب خوشبختانه هفته‌به‌هفته این طرحها دارد اجرا میشود. همه‌ی این طرحها را تا آخر سال، همان طور که برنامه‌ریزی کرده‌اید، با دقت دنبال کنید، با جدیت انجام بدهید تا این کارها انجام بگیرد؛ اینها کارهای زیربنایی است. یا سیاست پالایشگاه‌سازی که شنیدم یک سیاستی است که الان اجرا میشود. البته این سیاست خیلی زودتر از این باید [اجرا] میشد؛ از سالها پیش، از دوره‌های قبل، بنده مکرّر در مورد پالایشگاه‌سازی سفارش میکردم، که خب یک خرده تأخیر شده. حالا این سیاست وجود دارد؛ بسیار خوب! دنبال کنید، این کار بسیار مهم است و شاید بتوانیم ان شاءالله عمده‌ی بهره‌مندی خودمان از نفت با ارزش را عبارت قرار بدهیم از صادرات نفتی که ارزش افزوده‌اش مال خود ما است؛ یعنی خود ما این را پالایش کرده‌ایم، گازوئیل یا مثلاً بنزین تولید کرده‌ایم، آن را صادر میکنیم؛ هم صادراتش آسان‌تر است، هم قیمتش بالاتر است، هم عایدی‌اش برای کشور بمراتب بیشتر است. یا اقداماتی که در مورد شرکتهای دانش‌بنیان شروع شده که اینها تا آخر دوره باید با جدیت دنبال بشود؛ یک حرکت بابرکتی است این شرکتهای دانش‌بنیان برای کشور. یا اقدامات مربوط به نظام سلامت، مخصوصاً در مواجهه‌ی با کرونا که کارهای بسیار مهمی با مدیریتهای خوب بحمدالله انجام گرفته. اینها را ادامه بدهید و با جدیت دنبال کنید. بعضی از این کارها - همین طور که اشاره شد - جزو کارهای ماندگار است، مثل مسئله‌ی کشف دارو یا مثلاً فرض کنید کارهایی

مانند آن؛ این چیزها مسائل مهمی است. مسئله‌ی افزایش تولیدات کشاورزی هم که قول داده شده، گفته شده، مسئله‌ی بسیار مهمی است. کارهایی که تا الان در این زمینه شده جزو موفقیت‌های دولت است؛ اینها را در این سال آخر، هر چه میتوانید با جدیت دنبال کنید. و بخصوص این کارهای علمی فشرده‌ای که در باب کرونا دارد انجام میگیرد، باید بجد در سال آخر دنبال بشود. بنابراین، سال آخر سال مهمی است و به هیچ وجه نباید به صورت وقت اضافی به آن نگاه کرد.

چند جمله در باب مسائل اقتصادی کشور:

چند جمله در باب مسائل اقتصادی کشور: خب گزارشهایی که آقای رئیس‌جمهور و آقایان دادید، عمده متوجه مسائل اقتصادی بود، من هم یک چند جمله‌ای را در این زمینه تذکر میدهم که مورد توجه باشد.

۱) تولید؛ کلید اصلی اشتغال، کاهش تورم و ایجاد ارزش پول ملی
اولاً مسئله‌ی تولید. خب تولید، همان طور که ما هم اشاره کردیم، دوستان هم اشاره کردید، کلید اصلی است برای اشتغال، برای معیشت، برای کاهش تورم، برای ایجاد ارزش پول ملی؛ تولید واقعاً مادر همه‌ی اینها است؛ هر چه میتوانیم در مورد تولید بایستی کار کنیم. ما در این چند سال مکرراً اشاره کرده‌ایم و شعار سال هم که امسال «جهش تولید» است. آنچه من میخواهم روی آن تکیه کنم، این است که تولید یک موانعی دارد؛ این جور نیست که انسان بتواند راحت به سمت افزایش تولید یا جهش تولید که ما گفتیم برود؛ موانعی هست؛ بروید سراغ این موانع، این موانع را برطرف کنید. ممکن است آقایان به ذهنشان بگذرد که خب موانع در اختیار ما نیست، مثلاً تحریم خارجی است؛ بله، بعضی از موانع این جور است و تحت اختیار ما نیست؛ بحث حبس پولهای نفت ما، حبس امکانات ما، جلوگیری از فروش نفت ما در بخش مهمی و مانع شدن از اینکه چیزهایی را وارد کنیم - ماشین لازم داریم، قطعات لازم داریم - در اختیار ما نیست، لکن بسیاری از موانع هم موانعی است که در درون کشور است و اینها بجد موجب مانع شدن از تولید و موجب جلوگیری از جهش تولید است؛ اینها را میشود برطرف کرد. من چند مورد از اینها را ذکر میکنم.

موانع جهش تولید: ۱-۱) واردات بی‌رویه

یکی مسئله‌ی واردات بی‌رویه است که ما مکرراً روی این تکیه کرده‌ایم. تولیدکنندگان مکرراً نامه مینویسند، شکایت میکنند، مراجعه میکنند، با بعضی از اینها در تلویزیون مصاحبه میشود و ذکر میکنند؛ [مثلاً] کارخانه‌ای است، یک کالایی را که مورد نیاز کشور هم هست دارد تولید میکند، چشمش به دست مشتری داخلی است - خیلی از مواقع هم این مشتری خود دولت است - در این هنگام می‌بینند که همین کالا از یک طریقی از خارج وارد میشود! حالا ممکن است با امکانات بهتری، مثلاً با قیمت ارزان‌تری، اما موجب ورشکستگی این تولید میشود. این واردات بی‌رویه چیز خیلی خطرناک و مهمی است. گاهی اوقات این واردات، واردات لوکس است؛ یعنی هیچ نیازی به آن نیست.

شنیدم که برای واردات یک نوع گوشی لوکس آمریکایی در سال ۹۸ حدود نیم میلیارد دلار - این جور گزارش شد به ما - مصرف شده! البته بخش خصوصی این کار را میکند، منتها بایستی دولت جلوی این را بگیرد. این یکی از مانعها.

۱-۲) مسئله‌ی قاچاق

یکی از موانع مسئله‌ی قاچاق است. جلوگیری از قاچاق به عهده‌ی خود ما است؛ این را دیگر نمیشود انسان از دیگری



توقع داشته باشد. بایستی همه‌ی دستگاه‌های کشور -دستگاه‌های مربوط به قوه‌ی مجریه عمدتاً و دستگاه‌های مربوط به قوه‌ی قضائیه و دستگاه‌های نیروهای مسلح- با همکاری هم، به طور جد جلوی قاچاق را بگیرند، که واقعاً یک رقم تکان‌دهنده‌ای است. این گزارش تحقیق و تفحصی که در اردیبهشت در صحن علنی مجلس خوانده شد، میگوید که حجم قاچاق ۲۵/۵ میلیارد دلار است! این خیلی رقم بالایی است؛ این مربوط به گزارش تحقیق و تفحص مجلس است.

۳-۱) مشکلات قطعه‌سازی

یکی از موانع، همین مشکلات قطعات است که مکرراً به ما گفته میشود که مثلاً فرض کنید فلان ماشین فلان قطعه را ندارد، نمیدهند. خوب ما در کشور نهضت قطعه‌سازی داریم که خوشبختانه راه افتاده؛ الان چند سال است که نهضت قطعه‌سازی راه افتاده از طرف بخشهای نیروهای مسلح، وزارت دفاع و بعضی از بخشهای دیگر. خیلی خوب؛ شما قطعات مورد نیاز را به مراکزی که قطعه‌سازی میکنند، به مراکزی که تحقیق و پژوهش در این زمینه میکنند، ارجاع کنید تا آنها برایتان قطعه را بسازند؛ و میتوانند. من عرض بکنم ما قطعات بسیار ظریف و پیچیده را خوشبختانه توانسته‌ایم بسازیم؛ در نیروهای مسلح، بعضی از قطعاتی که تصور نمیشد که قابل ساخت باشد، خوشبختانه ساخته شد. از این نهضت قطعه‌سازی استفاده بشود.

۴-۱) ناهماهنگی در بخشهای پایین‌دستی

یکی از موانع هم در یک جاهایی بعضی از ناهماهنگی‌ها در بخشهای پایین‌دستی است. حالا آقایان وزرا در صدر، هماهنگی‌هایی دارند و کارهایی را با هم به اتفاق انجام میدهند که گزارش بعضی‌اش امروز داده شد؛ لکن در بخشهای پایین‌دستی گاهی ناهماهنگی‌های عجیب و غریبی هست. فرض بفرمایید که حالا مثلاً در این گزارش تلویزیونی، یک مصرف‌کننده‌ی فولاد شکایت میکند که ورق فولاد را به من نمیدهند؛ مورد نیازش است، ورق فولاد هم در داخل تولید میشود، خوبش هم تولید میشود. این تولیدکننده‌ی بخش پایین‌دستی فولاد است، مثلاً لوازم خانگی تولید میکند، احتیاج به فولاد دارد. یا مصرف‌کننده‌ی مواد پتروشیمی؛ کارخانه‌جات پایین‌دستی بسیار زیادی هستند که به مواد پتروشیمی احتیاج دارند، اینها مراجعه میکنند که به اینجا به دلایل مختلف فروخته نمیشود یا مثلاً به قیمت‌های گران یا با مشکلاتی [فروخته میشود]. حالا مثلاً فرض کنید شب که در خبرها تلویزیون این را پخش میکند -ما می‌شنویم دیگر؛ بخشهای خبر را معمولاً همه می‌شنویم- به نظر من آن وزیری که می‌شنود این خبر را، همان شبانه با آن بخشی که از این قضیه شکایت دارد تماس بگیرد، تلفن بزند، برای فردا قرار بگذارند، فردا بروند تا عصری مشکل را برطرف کنند؛ یعنی واقعاً این جور میشود موانع تولید را برطرف کرد. البته بعضی از مشکلات پیچیده‌تر است، بحث صبح تا عصری نیست -بنده یک مقداری مطلع از مشکلات اجرا- لکن بسیاری از آنها واقعاً همین جور است که با یک نشست یک ساعته، دو ساعته و مانند اینها مشکل برطرف میشود. بنابراین، موانع تولید را بایستی برطرف کرد. این هم یک مطلب.

۵-۱) پیچ‌وخم‌های اداری در اعطای مجوزها

یک مطلب دیگر که جزو موانع تولید است و خوشبختانه حالا در گزارشهایی که آقایان دادید اشاره‌ی به این هم شده، مسئله‌ی مجوزها است که حالا می‌گویند زمانش کم شده؛ [این] خیلی مهم است. مجوزها واقعاً پیچ‌وخم‌های اداری عجیب و غریبی دارد؛ حالا گفتند ۷۲ روز، [اما] در مواردی خیلی بیش از ۷۲ روز مجوزها مشکل پیدا می‌کند. خوب بایستی روی این زمینه کار کرد؛ مسئله‌ی تسهیلات بانکی و از این قبیل که به نظر من بایستی به این توجه



کرد؛ برداشت موانع.

۶-۱) صادرات مواد خام یا صادرات فله‌ای

در حاشیه‌ی مسئله‌ی تولید، من یک نکته‌ی دیگری را عرض بکنم که آن هم بی‌ارتباط به مسئله‌ی تولید نیست و آن مسئله‌ی صادرات مواد خام یا صادرات فله‌ای است که یک نمونه‌اش را قبلاً در مورد نفت گفتیم. یکی از مشکلات ما همین است که ما مواد خام را بدون فراوری و بدون اینکه ارزش افزوده‌اش را برای کشور خودمان، برای سرمایه‌دار خودمان، برای کارگر خودمان فراهم بکنیم، می‌فرستیم خارج. سنگ معدنی قیمتی ما می‌رود خارج، آنجا فراوری می‌شود و فروخته می‌شود؛ گاهی هم همان سنگی که ما خامش را دادیم رفته، دوباره با چند برابر قیمت به داخل آورده می‌شود! من مکرراً راجع به مسئله‌ی معدن، راجع به همین سنگهای ذی‌قیمتی که در کشور ما هست و گاهی آن طوری که شنفتیم بعضی از اینها در دنیا بی‌نظیر یا کم‌نظیر است، [تأکید کرده‌ام]. یا فرض بفرمایید خاک جزیره‌ی هرمز - این خاک باارزشی که جزیره‌ی هرمز دارد - زعفران جنوب خراسان، خرما مناطق گرمسیری. خب خرما ایران [واقعاً بی‌نظیر است]. یک وقتی چند سال قبل از این، یکی از کشورهای عربی یک بسته‌ی خرما هدیه فرستاده بود برای ما، به عنوان هدیه‌هایی که می‌فرستند؛ بنده آوردم و در هیئت دولت آن وقت نشان دادم، گفتم این به اصطلاح مصداق کامل «زیره به کرمان بردن» است! مرکز خرما دنیا و بهترین خرما دنیا اینجا است، آن وقت او برای ما فرض کنید که خرما را [هدیه می‌فرستد]؛ منتها او در بسته‌بندی بسیار زیبا و شکیل، ما گاهی اوقات داخل حصیر و در بسته‌های [دیگر]. حالا اخیراً یک مقداری بسته‌بندی‌ها بهتر شده، اما بایستی این دنبال بشود؛ این هم مهم است. چند شب پیش تلویزیون راجع به گشنیز میگفت که گشنیز را به صورت فله‌ای می‌برند خارج و با قیمت‌های بسیار زیادی بعد از فراوری در دنیا فروش می‌رود. پس یک نکته‌ای که ما در باب مسائل تولید خواستیم عرض بکنیم، مسئله‌ی برداشتن موانع تولید است که اینها است.

لزوم تشکیل کارگروه موانع تولید

من البته قبلاً پیشنهاد کردم که برای شناسایی موانع تولید و برطرف کردن موانع تولید، یک کارگروهی تشکیل بشود از طرف رؤسای سه قوه - چون مربوط به سه قوه است - و رؤسای محترم هم اعلام پذیرش کردند و گفتند که «بله، این کار خوبی است». من نمیدانم تا حالا تشکیل شده یا تشکیل نشده؛ اگر نشده، خیلی خوب است که این کارگروه تشکیل بشود و به صورت شبانه‌روزی کار بکنند و ان شاء الله بتوانند موانع تولید را برطرف کنند، چون تولید در بخش اقتصاد از همه چیز مهم‌تر است.

۲) اهتمام به سرمایه‌گذاری

موضوع دومی که در زمینه‌ی مسائل اقتصاد میخواهم عرض کنم - که این هم باز به نحوی به تولید برمیگردد - مسئله‌ی سرمایه‌گذاری است. سرمایه‌گذاری یک موضوع خیلی مهمی است برای ایجاد رونق اقتصادی، برای افزایش تولید، برای جهش تولید. اساس کار، سرمایه‌گذاری است. سرمایه‌گذاری در کشور ما سالها است که اختلال پیدا کرده؛ یعنی واقعاً سرمایه‌گذاری لازم انجام نمی‌گیرد. آنچه در این زمینه باید انجام بگیرد اهتمام به سرمایه‌گذاری است. حالا آن طور که در ذهن من هست - در گزارشها هست، به ما هم گزارش کرده‌اند - شاید به نظرم حدود ده سالی است که ما از لحاظ سرمایه‌گذاری عقبیم و ضعیفیم. چند کار لازم باید انجام بگیرد:

۱-۲) تکمیل سرمایه‌گذاری‌های نیمه‌کاره



اولاً یک کار اولی و ابتدائی که خیلی مهم است، این است که ما در یک بخشهایی سرمایه‌گذاری‌های کلانی کرده‌ایم که تمام نشده، یا نیمه‌کاره رها شده، یا با کندی پیش می‌رود؛ اولین کار این است که ما این سرمایه‌ها را زنده کنیم، احیا کنیم، یعنی این سرمایه‌گذاری را به کمال برسانیم؛ چون سرمایه‌گذاری وقتی نصفه‌کاره میماند، معنایش این است که از کیسه‌ی کشور و ملت و دولت یک پولی، یک جایی صرف شده و لکن بازده ندارد؛ باید این را به بازده برسانیم که مردم از این سرمایه‌گذاری استفاده کنند. و باید هیچ طرح بزرگ سرمایه‌گذاری در کشور بلا تکلیف نماند که این در درجه‌ی اول از وظایف [سازمان] برنامه و بودجه است و [بعد] دستگاه‌های مختلف.

۲-۲) تشویق سرمایه‌گذاری

مطلب دوم این است که سرمایه‌گذاری را تشویق کنید؛ چون سرمایه‌گذاری عمدتاً باید به وسیله‌ی بخش خصوصی انجام بگیرد. دولت صرفاً در آنجایی که بخش خصوصی یا نمیتواند یا رغبتی ندارد یا بازدهی برای بخش خصوصی ندارد میتواند سرمایه‌گذاری کند؛ سرمایه‌گذاری را بخش خصوصی باید انجام بدهد. بخش خصوصی هم امروز امکانات دارد؛ یعنی امروز پول در کشور کم نیست؛ می‌بینید دیگر که بحث نقدینگی و چند برابر شدن نقدینگی سر زبانها است؛ بنابراین پول هست؛ باید سرمایه‌گذار تشویق بشود به سرمایه‌گذاری. تشویق هم راه‌های مختلفی دارد، راه‌هایی هست که برای کسی پنهان نیست: مشکلات مالیاتی برطرف بشود، مشکلات مجوزها برطرف بشود، مشکلات تسهیلات بانکی برطرف بشود؛ اینها کارهایی است که همه بلدند [منتها] باید بنشینید، اهتمام کنید، ان شاء الله این تشویقها انجام بگیرد. این هم یک مسئله است.

۲-۳) هدایت نقدینگی به سمت تولید

این مسئله‌ی هدایت نقدینگی را من یک بار دیگر هم در مرکز عمومی گفتم، (۳) خصوصی هم به مسئولین مکرر گفته شده که ما این نقدینگی موجود را به سمت تولید هدایت کنیم. البته من در سال ۹۷ در همین جلسه‌ی هیئت دولت و هفته‌ی دولت گفتم که یک هیئت شبانه‌روزی متخصص معین بکنید که بنشینند روشهای مدیریت نقدینگی را جستجو [کنند]؛ (۴) این نقدینگی موجود باید مدیریت بشود و هدایت بشود به سمت تولید که این کار آسانی نیست، کار مشکلی است، روشهای ویژه‌ای لازم دارد؛ من گفتم یک هیئتی بنشینند و این کار را انجام بدهند. من میدانم این هیئت تشکیل شده یا نشده؛ به هر حال اگر نشده، باز هم زمان باقی است و ان شاء الله این کار انجام بگیرد تا اینکه نقدینگی موجود سرازیر بشود به سمت قسمت واقعی اقتصاد و به تولید برسد. این هم یک موضوع.

۳) لزوم تقویت ارزش پول ملی

موضوع سوّمی که در بخش مربوط به اقتصاد میخواهم عرض بکنم، مسئله‌ی ارزش پول ملی است که خب این هم بی‌ارتباط به آن بحثهای قبلی نیست. البته ارزش پول ملی علی‌الاصول یک چیزی است که به رشد تولید کشور و رشد توسعه‌ی کشور و رشد اقتصادی و تقویت بنیه‌ی اقتصادی کشور ارتباط دارد؛ عمدتاً این است لکن یک چیزهایی هم در حاشیه‌ی این وجود دارد. البته اگر ما بتوانیم تولید را تقویت کنیم، پول ملی به طور طبیعی تقویت خواهد شد؛ اگر بتوانیم بنیه‌ی اقتصاد را قوی کنیم، پول ملی طبعاً تقویت خواهد شد و تقویت پول ملی در امر معیشت مردم یک تأثیر فوق‌العاده‌ای دارد دیگر؛ تأثیر مستقیم در امر معیشت مردم دارد، لکن در کنار آن کارهای بلندمدت - که تقویت بنیه‌ی اقتصادی کار کوتاه‌مدتی نیست - بعضی از کارهای کوتاه‌مدت هم وجود دارد.

یکی اینکه مشخص شده است که دخالت‌های بدخواهانه‌ای در کار ارز میشود که اینها در کاهش قیمت پول ملی و

ارزش پول ملی تأثیر میگذارد. بعضی از دخالتها، دخالتهای بدخواهانه است؛ بعضی بدخواهانه نیست، [بلکه] سودجویانه است. اعلام شد که ۲۷ میلیارد دلار پول صادراتی است که برنگشته؛ خب این مسئله‌ی مهمی است. البته گاهی اوقات این برنگشتن به خاطر یک عوامل منطقی است که برنمیگردد، اما گاهی هم به خاطر این است که مثلاً فرض کنید این پول را، این ارز را این جناب، برده در فلان کشور زمین خریده، ملک خریده، آنجا رفته کارهایی مانند اینها کرده؛ این قابل قبول نیست. حالا گزارشهایی در این زمینه هست که در یکی از کشورهای همسایه‌ی ما، بیشترین تعداد ملکی که خریداری شده، مربوط به ایرانی‌هایی است که آنجا ملک خریده‌اند؛ خب این اصلاً قابل قبول نیست. یا اگر بخواهند این را صرف کنند برای واردات کالاهای غیر لازم، یا کالاهای لوکس و بکلی غیر مورد انتفاع که نمونه‌اش را عرض کردم: یک گوشی تلفن لوکسی را از آمریکا آورده‌اند و نیم میلیارد، پانصد میلیون یورو صرف این کار بشود؛ حالا تعجب هم میکنم که چطور آنها که این همه تحریم میکنند ما را، این یکی را و امثال اینها را ما در تحریم نداریم؛ اینها واقعاً کارهایی است که قابل قبول نیست. یکی این است، یکی هم برخی از تصمیم‌های نسنجیده‌ی بعضی از دستگاه‌ها است. البته خوشبختانه بانک مرکزی فعالیتهای خوبی را در این زمینه انجام داده و شروع کرده و دنبال میکنند که همه هم باید به آن کمک کنند؛ به نظر ما همه‌ی دستگاه‌های دولتی باید به بانک مرکزی کمک کنند؛ چون مباحثاً مسئله‌ی پول و ارز، کاهش ارزش پول یا افزایش ارزش پول به سیاستهای آنها ارتباط پیدا میکند؛ لذا همه باید کمک کنند تا بانک مرکزی بتواند کارش را انجام بدهد. خوشبختانه کارهای خوبی هم دارد انجام میشود.

ضرورت راه‌اندازی سامانه‌های اطلاعاتی

یکی از مسائلی که اینجا به ما گفته شده و بنده هم چندبار به بعضی از مسئولین ذی‌ربط همین را تذکر داده‌ام، راه‌اندازی سامانه‌های اطلاعاتی است که در این زمینه وجود دارد که اجرای این سامانه‌ها مدتها و چند سال است تصویب شده؛ بعضی‌هایش هم راه‌اندازی شده، لکن بعضی هم راه‌اندازی نشده. راه‌اندازی سامانه‌های اطلاعاتی و متصل کردن آنها به یکدیگر، به دولت کمک میکند برای اینکه بتواند اطلاعات لازم را در این زمینه به دست بیاورد. این هم مثل سامانه‌ی صدور مجوزهای سرمایه‌گذاری، سامانه‌ی مالیات، سامانه‌ی مبارزه‌ی با قاچاق کالا و ارز، سامانه‌ی مربوط به پولشویی خیلی مهم است و برای هر ساختاری که شما بخواهید اصلاح بکنید، این سامانه‌ها ضروری است؛ علاوه بر اینکه به طور جاری هم به شما کمک میکند.

۴) منوط نکردن مسائل اقتصادی به تحولات خارجی

یک موضوع دیگر در زمینه‌ی مسائل اقتصاد که به نظر من موضوع مهمی است و در [این] زمینه، آخرین موضوعی است که عرض میکنم، این است که در مسائل اقتصادی کشور، اقتصاد کشور را مطلقاً به تحولات خارجی نباید پیوند زد؛ یعنی شما برنامه‌ریزی اقتصادی را مطلقاً موکول و منوط نکنید به اینکه تحریمها برطرف بشود، یا کاهش پیدا کند؛ نه، فرض را بر این بگذارید که تحریمها بنا است ده سال بماند. برنامه‌ریزی اقتصادی بایستی بر اساس امکانات درونی و -همان طور که بارها گفتیم- درون‌زایی و به ظرفیتهای داخلی تکیه کردن، انجام بگیرد. این درست نیست که مثلاً فرض کنید ما بگوییم اگر چنانچه انتخابات فلان کشور، فلان جور شد، مثلاً این جور میشود؛ نه نخیر، انتخابات آنجا هر جور میخواهد بشود. ما بایستی برنامه‌ی اقتصادی کشور را با توجه به مسائل درونی کشور، با توجه به امکانات خودمان برنامه‌ریزی کنیم؛ واقعاً یک خطای راهبردی است که ما مسائل اقتصادی را منوط کنیم به تحولات خارجی. و نباید تکیه کرد به مسائل خارجی؛ [که] آنها هر جور بخواهند، تصمیم بگیرند. ممکن است یک روز تصمیم خوبی بگیرند، ممکن [هم] هست تصمیم بدی بگیرند؛ اگر تصمیم خوبی بود از آن استفاده خواهیم کرد،



لکن این جور نیست که برنامه‌ی اقتصادی‌مان را موکول کنیم به اینکه آنها چه جوری تصمیم بگیرند. این هم مسئله‌ی مهم دیگری.

اهمیت فضای مجازی و لزوم راه‌اندازی شبکه‌ی ملی اطلاعات

مسائل دیگری هم البته در کشور وجود دارد. یک مسئله که من اصرار دارم روی آن تکیه بکنم، مسئله‌ی فضای مجازی است؛ خب فضای مجازی خیلی مهم است. آقایانی که در زمینه‌ی فضای مجازی نظراتی دارند و ابراز میکنند و گاهی میگویند که این جزو زندگی اصلی مردم است - که ما هم قبول داریم؛ الان واقعاً فضای مجازی، یک بخش حقیقی از زندگی مردم شده؛ حالا دولت الکترونیک و از این قبیل که به جای خود محفوظ است - شکی نیست [اما] آنچه عرض من است و من روی آن تکیه میکنم این است که فضای مجازی بدون اختیار ما، از بیرون از اختیار ما دارد مدیریت میشود؛ بحث این است. فضای مجازی یک چیزی نیست که آدم بتواند مثل یک آب روانی هر جور که میخواهد از آن استفاده بکند؛ دیگران دارند این آب را به یک سمتی که خودشان میخواهند هدایت میکنند؛ آنها دارند مدیریت میکنند این فضا را. خب وقتی که ما میدانیم کسانی از بیرون دارند فضای مجازی را - که ما هم دست‌اندرکارش هستیم و مبتلابه ما است - هدایت میکنند و مدیریت میکنند، ما نمیتوانیم بی‌کار بنشینیم در مقابل او؛ ما نمیتوانیم مردمان را که با فضای مجازی ارتباط دارند، بی‌پناه رها کنیم در اختیار آن مدیری که دارد پشت پرده، فضای مجازی را اداره میکند. عوامل مسلط بین‌المللی در این زمینه‌ها بشدت فعالند؛ از لحاظ خبردهی، خبررسانی، تحلیل داده‌ها و امثال گوناگون؛ هزاران کار دارد انجام میگیرد روی فضای مجازی. برای خاطر این است که بنده روی مسئله‌ی شبکه‌ی ملی اطلاعات این همه تأکید میکنم. این شورای عالی فضای مجازی و مرکز ملی فضای مجازی که تشکیل داده‌ایم و بنده اصرار داشتم و دارم که این [شورا] تشکیل بشود و رؤسای محترم در آن شرکت کنند و تصمیم‌گیری کنند و اجرا کنند، به خاطر اهمیت این مسئله است؛ نمیشود این مسئله را رها کرد. و من میبینم که آن اهتمام لازم به خرج داده نمیشود. خب الان شبکه‌ی ملی اطلاعات اجزائی دارد، این اجزا باید در زمان‌بندی‌های مشخص تحقق پیدا کند؛ آدم میبیند که تحقق پیدا نمیکند، از زمان‌بندی‌ها عقبند؛ یا سیاست‌های اصولی‌ای در زمینه‌ی پهنای باند وجود دارد که مکرر ابلاغ شده، خب این سیاستها باید رعایت بشود و اینها مورد درخواست و تأکید مؤکد اینجانب است.

قدر دانستن خدمت در نظام جمهوری اسلامی

یک نکته‌ای هم که ربطی به مسائل اقتصادی و این قبیل مسائل ندارد لکن به نظر من خیلی مهم است، این نکته‌ی آخری است که به حضار محترم میخواهم عرض بکنم. خطاب هم فقط به قوه‌ی مجریه نیست، به همه‌ی دست‌اندرکاران و مسئولان کشور است؛ چه در قوه‌ی مجریه، چه در قوه‌ی قضائیه، چه در قوه‌ی مقننه، چه بخشهای گوناگونی که در حاشیه‌ی اینها حضور دارند؛ و آن، این است که دوستان! قدر خدمت در این نظام را بدانید، خدمت در این نظام خیلی باارزش است. البته خدمت در همه جا باارزش است؛ هر مسلمانی، در هر نقطه‌ای از عالم، در هر سطحی یک خدمتی به افراد، به انسانها، به بشریت بکند، این یقیناً ثواب دارد، ارزش دارد و ان شاء الله خدای متعال اجر میدهد، لکن در جمهوری اسلامی فقط این نیست؛ خدمت کردن در جمهوری اسلامی علاوه بر این، یک نکته‌ی بسیار مهم دیگری دارد و آن، این است که خدمت شما، حرکت شما و کار شما کمک میکند به رونمایی از الگویی که اسلام برای جامعه‌سازی و برای مدیریت جامعه دارد نشان میدهد؛ این خیلی مهم است.

شکست الگوی سرمایه‌داری و محصولات تمدن غربی



خب تمدن غربی الگوهای مدیریت و جامعه‌سازی و نظام‌سازی و حکومت را به میدان آورد و نشان داد؛ هم کمونیسم یک جور -سوسیالیسم و کمونیسم و انواع و اقسام سوسیالیسم‌هایی که دولتهای مختلف به شکل آنها به وجود آمدند- و سرمایه‌داری و به اصطلاح لیبرالیسم و مانند اینها هم یک جور دیگر؛ اینها فرآورده‌های غرب است و این فرآورده‌ها شکست خورده؛ امروز این محصولات تمدن غربی در مدیریت جامعه و مدیریت بشر شکست خورده است. آن یکی که جمع شد، این یکی هم خیمه و خرگاهش (۵) در حال اغتشاش و نابسامانی است که دارید مشاهده میکنید. قلّه‌ی باشکوه این الگوی غربی سرمایه‌داری، آمریکا است که وضعیّت آن را مشاهده میکنید که به معنای واقعی کلمه یک الگوی شکست خورده است. بیشتر از همه جا در آمریکا ارزشهای بشری دارد لگدمال میشود. با این نظامهای حکومتی، بایستی ارزشها را زنده کنند؛ حالا ارزشهای دینی به کنار، ارزشهای معنوی که آنها به آن توجه هم ندارند، احساس هم نمیکند آنها را، به کنار؛ ارزشهای بشری، ارزشهایی که عقلهای بشر آنها را میفهمد، [یعنی] مسئله‌ی امنیّت، مسئله‌ی سلامت، مسئله‌ی عدالت، اینها دارد بکلی در این الگوی مسلط غربی بیش از همه جا لگدمال میشود. در آمریکا جرم و جنایت از همه جای دنیا بیشتر است؛ این حرفی است که خودشان دارند میگویند، آمارهایی است که خودشان دارند میدهند. در آمریکا فاصله‌ی طبقاتی وحشتناک است؛ آمریکا کشور ثروتمندی است اما بیشترین بخش این ثروت در اختیار یک عده‌ی انگشت‌شمار است؛ انگشت‌شمار به معنای واقعی کلمه؛ بیشترین بخش این ثروت در اختیار آنها است. تعداد گرسنه‌ها، درمانده‌ها، بی‌خانمان‌ها در آمریکا به نسبت، از همه‌ی کشورهای دنیا بیشتر است. البته برخی از کشورهای بسیار فقیری که مثلاً در آفریقا هستند را مورد نظر ندارم، کشورهای متعارف دنیا، چه آنهایی که به عنوان کشورهای پیشرفته محسوب میشوند، چه آنهایی که در حال پیشرفت محسوب میشوند، از همه جا تعداد و نسبت درماندگان و بی‌خانمان‌ها و فقرا و مانند اینها در آمریکا بیشتر است. طبق اعلام صریح رقبا در کارزارهای انتخاباتی آمریکا -که هم اخیراً گفتند، هم قبلها گفته بودند- از هر پنج کودک آمریکایی، یکی گرسنه است که اینها واقعاً در دنیا کم‌نظیر است.

درجه‌ی بالای انحطاط فکری در آرمان‌شهر غرب زده‌ها

ناامنی درونی شهرهای [آمریکا] در دنیا کم‌نظیر است؛ یعنی واقعاً در خیابان جوانی که بیرون میرود، خاطر جمع نیست که یک نفری، یک دیوانه‌ای، یک مستی، یک عقده‌ای‌ای همین طور اسلحه را به طرف او بگیرد، او را بپنجهایی یا در بین جمعی به قتل نرساند. می‌بینید دیگر که این آمار جنایتهای آمریکا عجیب و غریب است؛ اصلاً انسان گیج میشود از شدت و افزایش اینها. حالا اینها مربوط به داخل آمریکا است که خب مسائل آمریکا و مشکلات درونی آمریکا و مشکلات مدیریتی نظام سرمایه‌داری در آمریکا بیش از اینها است و تفصیلات زیادی دارد؛ لکن علاوه بر اینها آن کاری است که در دنیا آمریکا دارد انجام میدهد؛ قتل، غارت، جنگ‌افروزی، ایجاد ناامنی جزو کارهای رایج آمریکا است. امروز شما ملاحظه کنید در سوریه، در فلسطین، در یمن جای پای آمریکا بوضوح مشاهده میشود. امروز در اینها است، دیروز در عراق و افغانستان که هنوز هم ادامه دارد در بعضی از اینها، قبل‌تر از آن در ویتنام، قبل‌تر در هیروشیما؛ همه جا در سراسر دنیا انسان آثار جنایتکاری آمریکا و غرب را -عمدتاً آمریکا را- مشاهده میکند. درجه‌ی بالای انحطاط فکری آنها را هم از انتخابهایشان میشود فهمید. ببینید چه افرادی، چه شخصیت‌هایی را به عنوان شخص اول در آمریکا بر سر کار آورده‌اند و دارند به دنیا نشان میدهند که دنیا آنها را رد میکند و تحقیر میکند! آرمان‌شهر غرب زده‌ها اینجا است، این همان آرمان‌شهری است که غرب زده‌ها -حالا بعضی در کشور خود ما و بعضی در کشورهای دیگر- به عنوان یک نقطه‌ی برجسته و آرمان‌شهر به آن نگاه میکردند؛ این خصوصیات آمریکا است؛ یعنی الگوهای بشری به این شکل است.



ایمان، علم و عدل؛ سه عنصر اصلی الگوی اسلامی برای نظام‌سازی اسلام الگوی مستقل خودش را دارد. الگوی اسلامی برای نظام‌سازی و جامعه‌سازی به طور خلاصه یک الگویی است مرکب از ایمان و علم و عدل؛ این سه عنصر اصلی است. ایمان به معنای ایمان توحیدی خالص که این ایمان توحیدی خالص، هم در ساخت شخصیت انسانها تأثیر میگذارد، هم در ساخت جامعه و قواری عمومی جامعه اثر میگذارد، و هم در عمل شخصی امتداد دارد، هم در شکل اجتماعی. علم با گستره‌ی بی‌انتهای [آن] -هم علم الهی، هم علم طبیعی به آن [معنا] که غربی‌ها هنرشان را در آن نشان دادند، [یعنی] تسخیر طبیعت و تسلط بر طبیعت و مانند اینها- جزو چیزهایی است که در اسلام ممدوح است. بعد انسان عروج میکند از این مرحله به مراحل بالاتر؛ علم به هویت انسان، علم به عالم ملکوت و علوم الهی برتر از این حرفها. این علم شامل همه‌ی این مسائل است. عدل هم به معنای وسیع عدل؛ هم عدالت اقتصادی، هم عدالت قضائی، هم عدالت اجتماعی، [یعنی] عدالت به معنای واقعی کلمه. این، آن چیزی است که امام به ما یاد داده.

ما البته در هر سه بخش عقبیم. تحرک ما تحرک مناسب و شایسته‌ای نبوده اما الگو این است که انسان این را در شعارها، در اظهارها، در جهت‌گیری‌ها، در حرکت‌هایی که در این ۴۱ سال در جمهوری اسلامی صورت گرفته، در شخصیت‌سازی‌هایی که صورت گرفته، میتواند مشاهده بکند؛ نمونه‌هایش شهدای بزرگ ما هستند، نمونه‌اش شهید بهشتی است، نمونه‌اش شهید رجائی است، نمونه‌اش شهید باهنر است، نمونه‌اش شهید مطهری و تا این آخر شهید قاسم سلیمانی است؛ الگوی اسلامی این است. شما با عملکرد خودتان میتوانید این الگو را در چشم مردم جهان شیرین کنید و تبلیغ کنید آن را، برجسته کنید یا خدای نکرده بعکس، آن را از چشمها بیندازید. بنابراین، خدمت در جمهوری اسلامی این [طور] است؛ فقط صرف این نیست که ما با خدمت خودمان یک کمکی به آحاد بشر یا به جمع معینی یا به کشور میکنیم؛ مهم این است که ما با این کار خودمان، با این عملکرد خودمان، با این خدمت خودمان، داریم در واقع چهره‌ی اسلام را و الگوی اسلامی را نشان میدهیم. و این الگو وجود دارد؛ چه مستکبرها بخواهند، چه نخواهند، این الگوی تازه سر برآورده در دنیا، و آنها هم از همین میترسند؛ دشمنی‌شان به خاطر این است که این الگو، الگویی است که اصول مسلم آنها را قبول ندارد؛ مدیران و جهت‌دهان آنها مبتلا به کج‌رفتاری و کج‌اندیشی در عمده‌ی مسائل زندگی هستند و الگوی جمهوری اسلامی، الگوی اسلامی، این را قبول ندارد و خط مستقیم را، خط حق را در مقابل باطل دنبال میکند؛ دشمنی‌های اینها به خاطر این است. کینه‌توزی‌ای که شما می‌بینید آمریکا و بعضی‌های دیگر با جمهوری اسلامی دارند، فقط به خاطر بودن زید و نبودن عمرو و فلان کار خاص و مانند اینها نیست؛ با اساس مخالفند. البته از لحاظ تاکتیکی کارهایی را دارند. این عمل کارگزار نظام بایستی این الگو را نشان بدهد.

توصیه‌ی مولای متقیان (علیه السلام) به جامعه‌ی اسلامی
یک توصیه هم از مولای متقیان (سلام الله علیه) عرض بکنم که برای امروز ما مهم است. حضرت در خطبه‌ی سی‌وچهارم میفرماید: **غَلِبَ وَ اللَّهُ الْمُتَخَذِلُونَ**؛ حضرت سوگند یاد میکند که اگر مؤمنان دست از یاری هم بردارند، شکست میخورند. «تخاذل» یعنی این به او کمک نکند، او به این کمک نکند؛ این معنای «تخاذل» است. حضرت قسم میخورد، میگوید: **غَلِبَ وَ اللَّهُ الْمُتَخَذِلُونَ**. خطاب به مردم آن زمان است، اما در واقع خطاب به کل بشریت است؛ مؤمنین باید به هم کمک کنند، مؤمنین بایستی پشتیبان هم باشند، مؤمنین بایستی از یکدیگر دفاع کنند، یاری کنند همدیگر را. شما می‌بینید دشمن در حال طراحی بر ضد شما است؛ به طور دائم، دشمنان دارند علیه شما طراحی میکنند؛ واقعاً به طور دائم؛ انسان میبیند طراحی‌های اینها را. حالا بعضی اوقات آنها خیال میکنند طراحی‌شان



نامشهود است، اما واقعاً مشهود است، انسان میفهمد که چه کار دارند میکنند. خب در مقابل طراحی آنها، شما هم باید طراحی کنید؛ نه باید بی عمل بمانید و ساکت بمانید، نه باید تسلیم بشوید؛ چون او مرتب دارد طراحی میکند، ما نباید تسلیم طراحی او بشویم. آن وقت در همین خطبه حضرت خطاب به مردم خودشان میفرماید که «تُكادُونَ وَ لَا تَكِيدُونَ»؛ آنها علیه شما دارند طراحی میکنند، شما علیه آنها طراحی نمیکنید. این نبایستی در جامعه‌ی اسلامی وجود داشته باشد؛ اگر چنانچه آنها کید میکنند با شما، یعنی دارند طراحی و نقشه‌ریزی میکنند علیه شما، شما هم باید علیه آنها نقشه بریزید و طراحی کنید و کید کنید. خب، ان شاء الله که دوستان موفق باشند.

تشکر از برگزارکنندگان مجالس عزاداری در رعایت سلامت جامعه
من یک تشکر هم بکنم از برگزارکنندگان مجالس عزاداری که تا امروز بحمدالله اکثر [آنها] مراعات کردند؛ حالا شاید بعضی‌ها گوشه‌کنار باشند که مراعات نکرده باشند که به آنها هم توصیه میکنیم مراعات کنند؛ اما هم برگزارکنندگان، هم منبری‌های محترم و مداحان محترم مراعات کردند این جهات سلامت را و توصیه‌های ستاد ملی را که من باز هم [آن را] تأکید میکنم. و امیدواریم ان شاءالله خداوند به همه اجر بدهد، مورد توجه حضرت سیدالشهداء (سلام الله علیه) قرار بگیرند و این عزاداری‌ها و شوق و شوری که مردم نشان میدهند، ان شاءالله مقبول درگاه پروردگار و ائمه‌ی هدی (علیهم السّلام) باشد. و مجدداً از عوامل کمک‌کننده‌ی به مردم در مقابله‌ی با این ویروس خطرناک و خبیث و ده شکل و شمایل تشکر میکنیم، ان شاءالله که خداوند به همه‌ی آنها توفیق بدهد.

والسّلام علیکم و رحمة الله و برکاته

- ۱) در ابتدای این دیدار، حجّت الاسلام والمسلمین حسن روحانی (رئیس‌جمهور) و آقایان بیژن زنگنه (وزیر نفت)، رضا اردکانیان (وزیر نیرو)، سعید نمکی (وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی) و محمدباقر نوبخت (رئیس سازمان برنامه و بودجه) گزارشهایی ارائه کردند.
- ۲) آقای محمد اسلامی
- ۳) بیانات در روز عید سعید قربان (۱۳۹۹/۵/۱۰)
- ۴) بیانات در دیدار هیئت دولت (۱۳۹۷/۴/۲۷)
- ۵) خیمه‌ی بزرگ